



بولتن تخصصی

شماره ۱۴ / دی ۱۴۰۲

# اتاق نارنجی

O R A N G E R O O M

جهان حماسی  
ناپلئون ریدلی  
اسکات چگونه زاده  
شد؟

نقاشی به جای طراحی صحنه

وقتی کارکرد قاب سینما را  
فراموش می‌کنی!



مدت‌ها انتظار برای دیدن آخرین فیلم سرریدلی اسکات و در نهایت تماشای فیلمی کُشدار و غیردراماتیک. خود اسکات در همین زمینه گفته است، ناپلئون او همه‌چیز است و تمام ویژگی‌های زندگی او را به تصویر کشیده است! شاید مشکل دقیقاً همین‌جا باشد. زمانی که بخواهی همه‌چیز را بیان کنی، فرصت ارائه هیچ چیز را نمی‌یابی و از هرچیز تنها تکه کاغذی باقی می‌ماند که آن‌ها نیز به راحتی دستخوش نسیمی می‌شوند و در یادها باقی نمی‌مانند.



کیتی ویتلاک ۱/

## جهان حماسی ناپلئون ریدلی اسکات چگونه زاده شد؟

طراحی تولید ناپلئون

طراح تولید: آرتور مکس ۲/

طراح دکور: الی گریف ۳/

ناپلئون بناپارت ۴/ به عنوان یکی از مشهورترین چهره‌های تاریخ، روزهای آفتابی سینمایی خود را سپری می‌کند. در حالی که درباره قد، کلاه مشکی دوشاخ قایقی‌شکل، عشق ورزی با ژوزفین ۵/ و محاسبات اشتباه او در نبرد واترلو مطالبی را می‌دانید، وقت آن رسیده تا چیزهای بیشتری درباره یکی از مشهورترین فرانسوی‌های تمام اعصار بدانید.

فیلم حماسی ناپلئون که در این ماه ۶/ برای نخستین بار در این ماه به نمایش درآمد، ظهور، سلطنت، عشق و سقوط نهایی ناپلئون (با بازی خواکین فینیکس ۷/) را پیش از تبعید روایت می‌کند. سر ریدلی اسکات ۸/ که با فیلم‌های عظیم (گلادیاتور) بیگانه نیست، به این پروژه علاقمند شد و خاطرنشان ساخت: «تاریخ ناپلئونی، آغاز تاریخ مدرن است. او جهان را تغییر داد و کتاب بازی‌ها را بازنویسی کرد. من تصور می‌کنم یکی از دلایلی که مردم هنوز جذب ناپلئون می‌شوند، به پیچیدگی‌های این شخصیت باز می‌گردد. هیچ راه آسانی برای توصیف زندگی او وجود ندارد. شما می‌توانید بیوگرافی زندگی ناپلئون را بخوانید و بفهمید چه رویدادهایی در زندگی او به وقوع پیوسته است؛ اما چیزی که به عنوان یک فیلمساز

برای من جذابیت دارد شخصیت اوست. ناپلئون، فراتر از تاریخ و ذهن است. این فیلم، علاوه بر همه چیز، بر داستان عشق و ازدواج طوفانی و غیرمتعارف ژوزفین (ونسا کربی ۹/) و ناپلئون تمرکز دارد».

طراح پیشکسوت، آرتور مکس، با خلق دنیای امپراتور و ملکه، سفری خلاقانه - از میدان و اتاق جنگ تا کاخ‌های باشکوه و فتوحات فرانسه، مصر و روسیه - را برای تماشاگر رقم می‌زند. اسکات با بهره‌مندی از ظرافت و عظمت سبک امپراتوری، توضیح می‌دهد: «به شدت به این دوره از تاریخ معماری علاقه دارم. سبک امپراتوری، بسیار متنوع بوده و طیف وسیعی از قصرهای مجلل تا مصائب حقیقی سردابه‌ها را در بر می‌گیرد. در این فیلم، چند روستای در حال سوختن داریم. با کشتی‌های متعدد عازم دریاها می‌شویم و با درگیری‌های نظامی عظیمی همچون نبرد اوسترلیتز ۱۰/، واترلو ۱۱/، مارنگو ۱۲/ و بورودینو ۱۳/ روبرو می‌شویم. ناپلئون، یک جعبه بزرگ مملو از انواع اسباب‌بازی و جشنی تمام‌عیار برای یک طراح صحنه است».

گروه طراحی تولید برای الهام گرفتن فضاهای مختلف فیلم، نقاشی‌های مشهور مربوط به ناپلئون را مورد ارزیابی قرار دادند و درباره کاخ‌ها و عمارت‌های

خارق‌العاده‌ای که در آن‌ها زندگی می‌کرد تحقیق کردند. مکس درباره فیلمبرداری اثر در انگلستان به جای فرانسه توضیح می‌دهد: «در انگلستان، به اندازه کافی معماری نئوکلاسیک وجود دارد و به همین دلیل امکان جابجایی لوکیشن‌ها وجود داشت. احتمالاً این شباهت به واسطه آن است که بسیاری از طرح‌های معماری فرانسه و انگلستان بر اساس معماری کلاسیک پالادیو ۱۴/ ایتالیایی شکل گرفته‌اند».

یکی از لوکیشن‌های باشکوه فیلم، در نورث همپتون‌شایر واقع است که با خودرو تنها ۳ ساعت با لندن فاصله دارد. بوتون‌هاوس که به آن "ورسای انگلیسی" می‌گویند، به عنوان قصر ناپلئون در نظر گرفته شد. در همین رابطه مکس اظهار می‌دارد: «این عمارت زیبا، در قرن هجدهم توسط یک هوادار فرانسه ساخته شد. یک انگلیسی که عاشق معماری فرانسوی بود. بوتون‌هاوس، درست مانند یک قصر فرانسوی در یک ملک زیبای صدها هکتاری به نظر می‌رسد. گوسفندها و اسب‌ها در حال چراندن و درختان بلوط کهنسال زیبا را در همه جای آن می‌توان مشاهده کرد». این عمارت در ابتدا یک ساختمان متعلق به سبک تودور ۱۵/ بود؛ اما مالک آن این بنا را به یک





خواکین فینیکس و ونسا کربی در صحنه تاجگذاری. این سکانس در کلیسای جامع لینکلن بریتانیا فیلمبرداری شد (عکس: آیدان موناگان<sup>۲۳</sup>).

تلاش‌های خلاقانه او در جهان معماری و طراحی نیز قابل توجه است. ظهور سبک امپراتوری، نوعی جنبش نئوکلاسیک بود که در مبلمان، طراحی داخلی و معماری خود را به نمایش گذاشت. این جنبش، از تمایل ناپلئون به بازسازی شکوه و عظمت امپراتوری روم و مصر باستان برمی‌خاست. مبلمان امپراتوری فرانسه با روکش‌های طلایی، رنگ یا چوب ماهگونی، خطوط تر و تمیز، نقوش رومی، مصری و یونانی، پایه‌های پنجه شیری متمایز شده و امروزه نیز همچنان محبوب است. همچنین ناپلئون با احداث بناهای دیدنی پاریس نظیر تاق پیروزی<sup>۲۴</sup>، لوور<sup>۲۵</sup>، کاخ اینوالید<sup>۲۶</sup> و بازسازی کلیسای جامع نوتردام<sup>۲۷</sup> ارتباط دارد.

زنبر ناپلئون<sup>۲۸</sup>، که به عنوان نماد امپراتور انتخاب شده است، به عنوان یک نقش برجسته در مبلمان خانه باقی مانده است. تزئیناتی به شکل حرف N که دور تاج گل، ستارگان و عقاب را احاطه می‌کرد نیز از جمله نمادهای امپراتوری به شمار می‌آمدند. از سوی دیگر، ژوزفین نیز عاشق قوهای بود که در آغوش صندلی‌ها، چینی‌ها و طرح‌های فرش خود را به تصویر می‌کشیدند.

ناپلئون به واسطه ریشه‌های نظامی و زندگی در جنگ، از مبلمان تاشو، تخت‌خواب‌های چادری و خیمه‌های

**اسکات: «به شدت به این دوره از تاریخ معماری علاقه دارم. سبک امپراتوری، بسیار متنوع بوده و طیف وسیعی از قصرهای مجلل تا مصائب حقیقی سردابه‌ها را در بر می‌گیرد. ناپلئون، یک جعبه بزرگ مملو از انواع اسباب‌بازی و جشنی تمام‌عیار برای یک طراح صحنه است».**



ونسا کربی در نقش ژوزفین و خواکین فینیکس در نقش ناپلئون، در بوتون هاوس<sup>۲۹</sup> در نورث‌همپتون‌شایر<sup>۳۰</sup> انگلستان.

عمارت خیره‌کننده فرانسوی تبدیل کرد. همچنین کاخ بلنهایم<sup>۱۶</sup> (در سال ۲۰۱۲ برای فیلم *بینوایان*<sup>۱۷</sup> مورد استفاده قرار گرفت) که از ۷ حیاط و یک کلیسا برخوردار بوده و از سبک کلاسیک پلادیویی تبعیت می‌کند، به‌عنوان اتاق‌های ناپلئون در کاخ‌های فونتن‌بلو<sup>۱۸</sup> و توپلری<sup>۱۹</sup> در نظر گرفته شد. این در حالی بود که خانه پتورث<sup>۲۰</sup> برای قلعه جوزفین انتخاب شد. الی گریف، دکوراتور بریتانیایی، از نورپردازی مناسب تا انتخاب دکور کامل این دوره تاریخی، می‌گوید و اظهار می‌دارد، اجرای دکور داخلی دوره ناپلئونی به هیچ‌وجه کار آسانی نیست، زیرا «در زمان کار، نظارت‌های بسیاری در ساختمان‌های میراث ملی صورت می‌گیرد. وقتی شروع به کار در این اماکن می‌کنید در می‌یابید اتاق زیبایی که می‌خواهید در آن فیلمبرداری کنید از مبلمانی برخوردار است که حتی یک سانت هم نمی‌توان آن‌ها را جابه‌جا کرد. بخش اعظمی از انرژی ما صرف انواع و اقسام مصالحه‌ها و توافقات می‌شود». این دکوراتور کهنه‌کار، برای یافتن قطعه‌ای مناسب و اتاقی که ترجیحاً بتواند ۳۰۰ بازیگر و خدمه را در خود جای دهد، بسیار جستجو کرد.

در حالی که نبردهای راهبردی را می‌توان نقطه عطف حیات ناپلئون دانست،

«تاریخ ناپلئون، آغاز تاریخ مدرن است. او جهان را تغییر داد و کتاب بازی‌ها را بازنویسی کرد. من تصور می‌کنم یکی از دلایلی که مردم هنوز جذب ناپلئون می‌شوند، به پیچیدگی‌های این شخصیت بازمی‌گردد. هیچ راه آسانی برای توصیف زندگی او وجود ندارد. ناپلئون، فراتر از تاریخ و ذهن است. این فیلم، علاوه بر همه چیز، برداستان عشق و ازدواج طوفانی و غیرمتعارف ژوزفین و ناپلئون تمرکز دارد.»

بدین ترتیب، شاید بتوان گفت اشرافیت نیز می‌تواند از فواید و منافع خاص خود برخوردار باشد.

منبع: مجله افکت  
۱۵ دسامبر ۲۰۲۳



خواکین فینیکس در نقش ناپلئون بناپارت در اپل اورجینال فیلمز ۲۹٪ و ناپلئون کمپانی کلمبیا پیکچرز ۳۰٪

برخوردار است. ژوزفین، تا زمان مرگش به مدت ۵ سال در آنجا اقامت داشت. این قلعه و عمارت برای تمام دوستداران هنرهای تزئینی، مکانی دیدنی به شمار می‌آید. *تابلوی مونالیزا* ۳۴٪ نیز بر دیوار اتاق خواب مجلل ناپلئون در تویلری نصب شده بود.

**الی گریف، برای یافتن قطعه‌ای مناسب و اتاقی که ترجیحاً بتواند ۳۰۰ بازیگر و خدمه را در خود جای دهد، بسیار جستجو کرد.**

پرده‌دار استفاده می‌کرد. این اقلام نیز به سبک ناپلئونی شناخته می‌شوند. در همین راستا، تخت خیمه‌ای اتاق خواب ژوزفین نیز بر اساس همین رویکرد طراحی شده است.

مالمزون ۳۱٪ که توسط معماران ناپلئون، شارل پرسیه ۳۲٪ و پیر فونتن ۳۳٪ طراحی شد، از اتاقی به شکل چادر، دیوارهایی با نقاشی‌های تزئینی، ستون‌های گچی دوریک، نقاشی‌های سقفی رمی و پمپئی و کاغذدیواری‌هایی با نقوش نئوکلاسیک



روپرت اورت ۳۵٪ در نقش دوک ولینگتون ۳۶٪ و خواکین فینیکس در نقش ناپلئون بناپارت (عکس: آیدان موناگان).



پیام فروتن

## نقاشی به جای طراحی صحنه

وقتی کارکرد قاب سینما را فراموش  
می‌کنی!

**آن چه در ناپلئون شاهدیم،  
شکل و شمایل سینمایی به  
خود نمی‌گیرد و در مرزهای هنر  
نقاشی یا هنر مفهومی باقی  
می‌ماند. انگار همه چیز برای  
یک استاد نقاش چیده شده  
است تا از راه رسیده و مبادرت  
به کشیدن آن صحنه کند.**



یافته و مرکزگرا است که به هیچ وجه ذهن مخاطب را به گوشه‌ای دیگر از لوکیشن هدایت نمی‌کند. رویدادی که در دوران پسا بازن به یک اصل مهم در حوزه صحنه‌پردازی، فیلمبرداری و کارگردانی تبدیل شده است. نگاه کنیم به مجموعه آثار فیلمسازانی نظیر ازو، هیچکاک، گدار و... کارگردانانی که جهان فراتر از آن چه در قاب دیده می‌شود را ترسیم کرده و ذهن مخاطب را به مسیرهایی دورتر هدایت می‌کنند. این در حالی است که طراحی صحنه در ناپلئون، به شدت کمینه‌گرا (نه در وجه مثبت آن)، گزینش شده (نه در وجه مثبت آن) و بدین ترتیب، خالی از رویکرد طراحی صحنه سینمایی است.

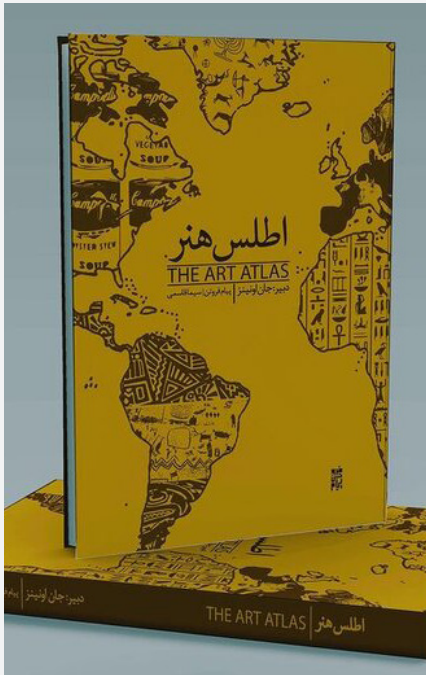
جالب اینجاست که خود گریف هم اعتراف می‌کند، به واسطه کار در اماکن تاریخی، امکان کوچک‌ترین جابجایی‌ها در صحنه را نداشته است! بدین ترتیب است که شاید بتوان به راز برپایی مجموعه‌های صرفاً مفهومی، مجزا و درهم نیامیخته در کلیت فضاهای داخلی فیلم پی برد. جالب‌تر این که این مشکل در لوکیشن‌های خارجی تا حد بسیار زیادی حل می‌شود و قاب‌ها از ترکیباتی تجسمی به سینمایی تغییر شکل می‌یابند. در این‌گونه لوکیشن‌ها است که دست عوامل برای هرکار باز بوده و به پلان‌هایی بسیار جذاب دست یافته‌اند. نگاه کنیم به سکانس‌های

و چپ یا بالا و پایین قاب پنجره واقعیت مکانی بیشتری را مشاهده خواهیم کرد" (کوک، ۱۴۰۰: ۴۲۷). بازن با نظریه‌ای که مطرح می‌کند به روشنی مرز میان قاب در نقاشی و سینما را تبیین می‌کند: قاب در نقاشی، چشم بیننده را به داخل اثر و پرده در سینما، تمرکز مخاطب را به بیرون رویداد منتقل می‌سازد.

آن چه در ناپلئون شاهدیم - اگرچه از زیبایی بصری یا حتی استناد تاریخی برخوردار است - اما شکل و شمایل سینمایی به خود نمی‌گیرد و در مرزهای هنر نقاشی یا هنر مفهومی باقی می‌ماند. انگار همه چیز برای یک استاد نقاش چیده شده است تا از راه رسیده و مبادرت به کشیدن آن صحنه کند. عناصر "چیدمان" یافته توسط الی گریف، به قدری نظم

اگر نظر دیوید ا. کوک درباره درک پرده سینما را مورد توجه قرار دهیم؛ طراحی آرتور مکس در ناپلئون ریدلی اسکات را باید نوعی طراحی صحنه به شیوه "قدیمی" ارزیابی کرد. کوک، چگونگی فهم ما از جهان درون پرده را به ۲ بخش یا دوران تقسیم می‌کند. عصر پیش از آندره بازن و دوران پس از او. این نویسنده سینما در همین رابطه اظهار می‌دارد: "برای درک پرده سینما دو راه وجود دارد. یکی آن که لبه‌های بیرونی پرده را قابی فرض کنیم که ترکیب‌بندی بصری در مرکز آن قرار دارد؛ مانند قاب یک نقاشی یا عکس... و درک فضای سینمایی، که نخست توسط آندره بازن تبیین شد که در آن پرده را همچون پنجره‌ای بر جهان فرض کنیم که با گرداندن چشم به راست





Carwan  
Dourandich

\*[Graphic Designer]

Instagram:  
@Carvvan

LinkedIn:  
/Carvvan



مدیر بولتن: پیام فروتن  
طراح هنری: کاروان دوراندیش  
حامی مالی: میلاد قلیچ

ORANGE ROOM

کلیه حقوق معنوی بولتن متعلق به پیام فروتن بوده و هرگونه کپی برداری و استفاده از مطالب آن منوط به کسب اجازه کتبی از وی می باشد.

۱. کتی ویتلاک، روزنامه نگار، مدرس و نویسنده کتاب‌های متعدد در زمینه طراحی فیلم است. او به عنوان نویسنده هالیوود ریپورتر، تخصص خاصی در زمینه نگارش شیوه زندگی افراد مشهور دارد. کتی در مقام سخنران بین‌المللی و مجری پنل در زمینه طراحی تولید و دکور فیلم و تلویزیون، در موزه‌ها، دانشگاه‌ها، مدارس فیلم و طراحی، باشگاه‌های زنان، شرکت‌ها، خیریه‌ها و رویدادهای صنعت فیلم حضور فعال دارد. در گذشته او بازاریابی برای امریکن اکسپرس و یونیورسال پیکچرز دیده می‌شود.

2. Arthur Max
3. Elli Griff
4. Napoleon Bonaparte
5. Josephine

۶. این نوشتار در زمان اکران فیلم نوشته شده است.

7. Joaquin Phoenix
8. Sir Ridley Scott
9. Vanessa Kirby
10. Austerlitz
11. Waterloo
12. Marengo
13. Borodino
14. Palladio
15. Tudor
16. Blenheim Palace
17. Les Misérables
18. Fontainebleau
19. Tuileries Palaces
20. Petworth House
21. Boughton House
22. Northampton shire
23. Aidan Monaghan
24. Arc de Triomphe
25. Louvre
26. Palais des Invalides
27. Notre Dame Cathedral

۲۸. ناپلئون پس از بررسی‌های فراوان، زنبور را به عنوان نماد امپراتوری خود انتخاب کرد. زنبور، نقشمایه‌ای سرشار از معنا است. زنبور عسل به دلیل عادات پرتلاش خود، نماد سخت‌کوشی و انضباط است.

29. Apple Original Films
30. Columbia Pictures
31. Malmaison
32. Charles Percier
33. Pierre Fontaine
34. Mona Lisa
35. Rupert Everett
36. Duke of Wellington

جنگی‌ای که اسکات خلق کرده است. در نهایت، شاید بتوان فیلم را به ۲ بخش تقسیم کرد. در سکانس‌های داخلی کمتر می‌توان رد پای ماندنی اسکات را شاهد بود (به واسطه ضعف در صحنه‌پردازی)؛ اما در سکانس‌های خارجی، تمامیت نبوغ و مهارت این کارگردان فیلم‌های عظیمی همچون فتح بهشت و گلا دیاتور را می‌توان به نظاره نشست.

منبع: کوک، دیوید ا. (۱۴۰۰). تاریخ جامع سینمای جهان. ترجمه: هوشنگ آزادی‌ور، تهران: چشمه

